

جنبش روش‌های آمیخته

ترجمه زینب دهنوی ترکمان

مقدمه

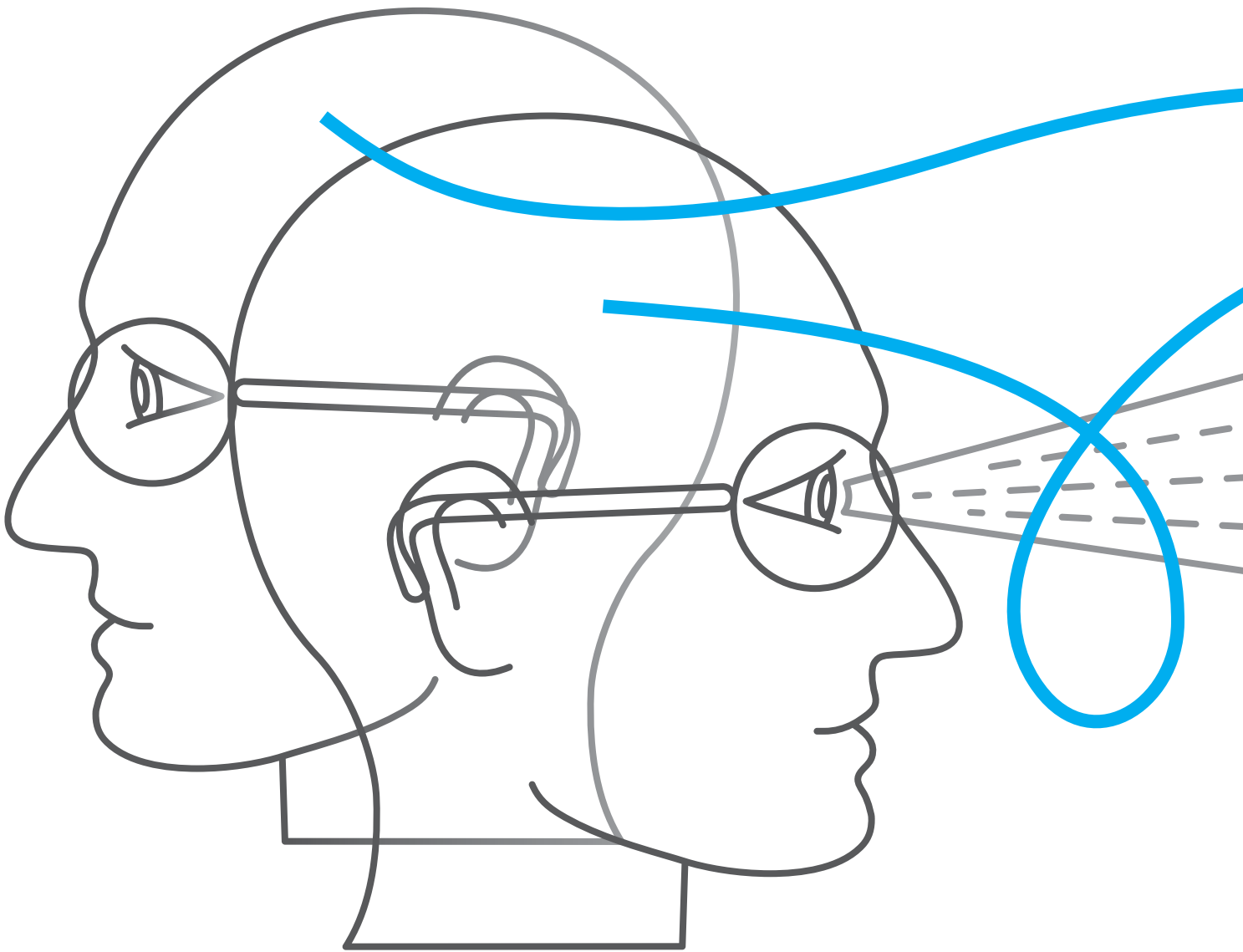
روش شناختی نیستند که از این رویکرد استفاده می‌کنند. بلکه تعداد قابل توجهی از محققان تأثیرگذار و تحصیل کرده نیز به این کار می‌پردازند. این ممکن است نوعی به‌خطر انداختن فضای سیاسی فعلی باشد یا می‌تواند واکنشی علیه زیاده‌روی‌های مشاهده شده در پسامدرنیسم و یا هردوی آن‌ها باشد. (ص ۵۷).

کلیدواژه‌ها: تجربه‌گرایی، روش‌های کیفی، طرح‌های تجربی

تحقیق کیفی در برابر تحقیق کمی

کلمه «کیفی» به کیفیت هستی و فرایندها و معانی‌ای که به‌طرز تجربی به‌لحاظ کمیت، مقدار، شدت و فراوانی بررسی یا اندازه‌گیری نشده‌اند، اشاره دارد. محققان کیفی بر ماهیت واقعیت که به‌صورت اجتماعی ساخته شده است، ارتباط نزدیک بین محقق و آنچه مورد مطالعه قرار می‌گیرد، و محدودیت‌های موقعیتی که تحقیق را شکل می‌دهند، تأکید دارند. چنین محققانی بر موجودیت آکنده از ارزش تحقیق تأکید دارند. آن‌ها به‌دنبال پاسخ به سؤالاتی هستند که تأکید دارند، تجربه اجتماعی چگونه خلق و دارای معنا می‌شود. در مقابل، مطالعات کمی بر اندازه‌گیری و تحلیل روابط علی بین متغیرها و نه فرایند تأکید می‌کنند. طرفداران چنین مطالعاتی ادعا می‌کنند که کارشان از یک چارچوب ارزش‌گذاری رهایی یافته است.

جنبش تحقیق «علم‌محور» همان‌طور که هو (۲۰۰۴) اشاره می‌کند، جایگاهی برای روش‌های کیفی در طرح‌های تجربی آمیخته در نظر می‌گیرد. در چنین طرح‌هایی، روش‌های کیفی ممکن است «به‌تنهایی و یا به‌صورت ترکیب با روش‌های کمی به‌کار برده شوند که شامل استفاده از طرح‌های تجربی تصادفی است» (ص ۴۹). طرح‌های روش ترکیبی بقایای مستقیم تجربه‌گرایی کلاسیک هستند. آن‌ها سلسله‌مراتب روش‌شناختی را در نظر می‌گیرند که در آن، روش‌های کمی در رأس قرار دارند و روش‌های کیفی به نقشی عمدتاً کمکی تنزل پیدا می‌کنند، در دنبال کردن اهداف فن‌سالارانه انباشت دانش برای پاسخ به این سؤال که چه چیزی بهتر است؟ (ص ۵۳ و ۵۴). جنبش روش‌های آمیخته، روش‌های کیفی را از سکونتگاه طبیعی‌شان که درون چارچوب انتقادی - تفسیری است، بیرون می‌کشند. تدلی^۱ و تشکری تحقیق را به دسته‌بندی‌های دوگانه‌ای تقسیم می‌کنند: «اکتشاف» در برابر «تأیید». کار کیفی به دسته‌بندی اول اختصاص دارد و تحقیق کمی به دسته‌بندی دوم [تدلی و تشکری، ۲۰۰۳، ۱۵]. مانند مدل تجربی کلاسیک، ذی‌نفعان مالی از گفت‌وگو و مشارکت فعالانه در فرایند تحقیق کنار گذاشته می‌شوند. این موضوع ابعاد دموکراتیک و گفت‌مانی‌اش را تضعیف می‌کند و احتمال این مورد را که صداهای خاموش گذشته شنیده شوند، کاهش می‌دهد. همان‌طور که هو (۲۰۰۴) هشدار می‌دهد: این فقط بنیادگرایان



انجام کاری یکسان به طریقی متفاوت

مسئلاً هم محققان کیفی و هم محققان کمی «تصور می کنند، آنچه درباره جامعه می دانند، ارزش بازگو کردن برای دیگران را دارد و آن ها از تنوعی از شکل ها، رسانه ها و ابزار برای بیان نظرات و یافته هایشان استفاده می کنند».

تحقیق کیفی از تحقیق کمی در پنج اصل مهم متفاوت است: این نقاط تفاوت که در ادامه مورد بحث قرار خواهند گرفت، دائماً به سیاست های تحقیق و به کسی که قدرت ارائه راه حل های درست را برای مشکلات اجتماعی دارد، اشاره می کنند.

۱. کاربرد اثبات گرایی^۲ و پسا اثبات گرایی^۴: هر دوی این رویکردها توسط سنت های اثبات گرایی و پسا اثبات گرایی در علوم طبیعی و اجتماعی شکل می گیرند. در مدل اثبات گرایی، این اعتقاد وجود دارد که واقعیتی در خارج از ما وجود دارد که باید مطالعه، بررسی و فهمیده شود. در حالی که پسا اثبات گرایی بحث می کنند که واقعیت هیچ گاه نمی تواند کاملاً فهمیده شود و فقط تا حدودی قابل فهم است. سنت های اثبات گرایی و پسا اثبات گرایی سایه های بلند بر پژوهش های کیفی می اندازند.

به صورت تاریخی، تحقیق کیفی در چارچوب فکری اثبات گرایی تعریف شده است؛ جایی که محققان کیفی سعی داشتند، تحقیق اثبات گرایی خوبی ارائه دهند که روش ها و فرایندها دقت و جزئیات بیشتری را داراست. از چنین منظری است که برخی محققان کیفی اواسط قرن بیستم، یافته های مشاهده مشارکتی را به صورت کمابیش آماری گزارش کرده اند.

۲. پذیرش خردمندی پسامدرن: استفاده از روش ها و مفروضات کمی پسامدرن توسط نسل جدید محققان کیفی که به خردمندی پسا ساختارگرایی و یا پسامدرن وابسته اند، رد شده است. این محققان معتقدند که روش های اثبات گرایی یکی از طرق بازگو کردن روایت درباره جوامع و جهان های اجتماعی هستند. این روش ها که ممکن است بهتر یا بدتر از روش های دیگر نباشند، فقط انواع متفاوت داستان را بازگو می کنند. بسیاری از اعضای نظریه انتقادی، ساختارگرایی، پسا ساختارگرایی و مکتب فکری پسا مدرن، معیارهای اثبات گرایی و پسا اثبات گرایی را، زمانی که کار خودشان را ارزیابی می کنند، رد می کنند. آن ها این مقیاس ها را غیر مرتبط به کارشان می دانند و اظهار می دارند

- روایتی انتقاد می‌کنند. این منتقدان می‌گویند: چنین کاری شرایطی ایجاد می‌کنند، همانند شرایطی که شخص ناشنوا در ارتباط با اجتماعش دارد.

مقاومت نسبت به مطالعات کیفی

مقاومت‌های آکادمیک و رشته‌ای در برابر تحقیق کیفی نشانگر سیاست‌هایی است که در این گفتمان جای گرفته‌اند. تحقیق کیفی چالش‌های بسیاری دارد. همان‌طور که سیل، **گوبو، گوبریوم و سیلورمن** (۲۰۰۴) می‌گویند: این انتقادات را از طریق متمایز کردن تحلیلی نقش سیاسی (بیرونی) روش‌شناسی [کیفی] از نقش آئین‌نامه‌ای (یا داخلی)‌اش بهتر می‌توانیم بفهمیم. سیاست، روش‌شناسی را در داخل و خارج از آکادمی قرار می‌دهد. مسائل آئین‌نامه‌ای توضیح می‌دهند که چگونه روش‌شناسی کیفی به‌منظور تولید دانش دربارهٔ دنیا به‌کار می‌رود. غالباً مسائل سیاسی و آئین‌نامه‌ای تلافی می‌کنند. گاهی سیاستمداران و دانشمندان «سخت‌گیر»، محققان کیفی را روزنامه‌نگار و یا دانشمندانی سهل‌گیر می‌پندارند. حتی کار محققان کیفی را غیرعلمی و یا فقط اکتشافی و ذهنی ارزیابی کرده‌اند و آن را بیشتر انتقادگرایی دانسته‌اند تا نظریه یا علم. و یا آن را به‌عنوان حالتی از مارکسیسم یا انسان‌گرایی سکولار، به‌صورت سیاسی تفسیر کرده‌اند. علوم تجربی (اثبات‌گرایانه) مانند فیزیک، شیمی، اقتصاد و روش‌شناسی غالباً به‌عنوان دستاوردهای بزرگ تمدن غرب شناخته می‌شوند و در کنش‌هایشان تصور بر این است که «حقیقت» می‌تواند از عقیده و سوگیری‌های شخصی فراتر برود.

که چنین معیارهایی فقط نوع خاصی از علم را تولید می‌کنند؛ علمی که صداهای بسیاری را خاموش می‌کند.

۳. جلب نقطه‌نظر شخص: هر دو گروه محققان کیفی و کمی با نقطه‌نظر شخص در ارتباط‌اند، اگرچه محققان کیفی فکر می‌کنند که می‌توانند به دیدگاه کنشگر از طریق مصاحبه و مشاهدهٔ دقیق نزدیک‌تر شوند. آن‌ها ذکر می‌کنند که محققان کمی به ندرت می‌توانند به دیدگاه کنشگران دست یابند و این بدان دلیل است که آن‌ها باید به روش‌ها و اصول تجربی غیراجتماعی‌تر و استنتاجی‌تر متکی باشند.

۴. بررسی محدودیت‌های زندگی روزمره: احتمال بیشتری وجود دارد که محققان کیفی در برابر محدودیت‌های جهان اجتماعی روزمره قد علم کنند و با آن‌ها مواجه شوند. آن‌ها این دنیا را در عمل می‌بینند و یافته‌هایشان را در آن جای می‌دهند. این در حالی است که محققان کمی مطالب را از این دنیا انتزاع می‌کنند و به ندرت آن را مستقیماً مورد مطالعه قرار می‌دهند.

آن‌ها به‌دنبال علمی قانون‌ساز بودند که براساس احتمالاتی است که از مطالعهٔ تعداد زیادی از موارد منتخب تصادفی استخراج شده‌اند. چنین اظهاراتی فراتر و خارج از محدودیت‌های زندگی روزمره قرار دارند.

۵. محفوظ نگه داشتن توصیفات غنی: محققان کیفی معتقدند که تشریحات غنی دنیای اجتماعی ارزشمند هستند، در حالی که محققان کمی با تعهدات قانونمند و اصول اخلاقی‌شان کمتر درگیر چنین جزئیاتی هستند. محققان کمی عمدتاً کمتر درگیر توصیفات غنی می‌شوند؛ به‌دلیل اینکه چنین جزئیاتی فرایند توسعهٔ تعمیم‌سازی را مختل می‌کند.

تنش‌های موجود در تحقیق کیفی

این ساده‌انگارانه است که تصور کنیم تمام محققان کیفی مفروضات یکسانی دربارهٔ نکات متمایزی دارند که در بالا ذکر شد. همان‌طور که توضیح داده می‌شود، تفاوت‌های اثبات‌گرایانه، پسا اثبات‌گرایانه و پسا ساختارگرایانه، گفتمان‌های تحقیق کیفی را تعریف می‌کنند و شکل می‌دهند. واقع‌گرایان و پسا اثبات‌گرایان در سنت تحقیق تفسیری - کیفی، از پسا ساختارگرایان به‌دلیل داشتن گرایش‌های متنی

پی‌نوشت‌ها

1. How
2. Teddlie
4. positivism
5. Post- positivism

منبع

مقاله حاضر برگرفته از مقاله
«The discipline and practice of qualitative research»
نوشتهٔ نورمن دنزین و یونا لینکلن است.